

دکتر بهرام مستقیمی*

فناوری اطلاعات و حاکمیت

چکیده:

فناوری اطلاعات از یک سو به عنوان «فناوری آزادی» توانایی‌های مردم برای دستیابی به داده‌ها و برقرار کردن ارتباط را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر این امکان را برای دولت‌ها فراهم می‌آورد تا صافی‌هایی در مسیر پایگاه‌های اینترنتی قرار دهند و تحت پوشش مقابله با مطالب غیراخلاقی مسیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از پایگاه‌ها را به منظور مقابله با حرکت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و مهار آنها مسدود کنند. «متن اجتماعی» ماتریس خاصی از روابط اجتماعی از جمله روابط سیاسی است. جامعه‌ای که روابط موجود در آن خصوصیات احترام به مردم‌سالاری و حقوق بشر داشته باشند «متن اجتماعی» متفاوتی در قیاس با جامعه‌ای دارد که خصوصیات استبدادی و فاشیستی بر روابط آن حاکم است. در حالت اخیر از فناوری اطلاعات برای مهار روابط اجتماعی و مردم استفاده می‌شود و در حالت اول مشروعیت حکومت بر رضایت مردم استوار خواهد بود. برای درک بهتر آنچه گفته شد در مقاله حاضر مفهوم حاکمیت، فناوری اطلاعات و آثار اجتماعی آن، رابطه فناوری اطلاعات و حاکمیت، تأثیر جهانی سازی بر این رابطه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی:

فناوری اطلاعات، حاکمیت، دولت، جهانی‌سازی، متن اجتماعی، مردم‌سالاری.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«در باب تعریف بحران در نظام بین‌الملل»، شماره ۳۳، سال ۷۳، گزارش دربارۀ نخستین دانشجوی زن در

دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، شماره ۶۵، سال ۸۳.

جامعه بین‌المللی مرکب از بازیگران گوناگون است. هرچند دولت هنوز مهم بازیگر است، اما دیگران نیز مهم اند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی، مانند ملل متحد، اتحادیه اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی، آسه آن، اوپک و سازمان همکاری سرخ و هلال احمر، عضو بین‌المللی، پزشکان بدون مرز؛ و شرکت‌های چندملیتی از این نوع‌اند. البته میان این هستی‌مندهای^(۱) جامعه جهانی تفاوت‌های متعددی از ابعاد گوناگون وجود دارد. با این وجود یک چیز دولت‌ها را از دیگر بازیگران عرصه جهانی متمایز می‌گرداند و آن حاکمیت است. (Griffith, 1995, p.7)

در گذشته دولت‌ها حاکمیت یکدیگر را مورد چالش قرار می‌دادند، اما امروزه فناوری اطلاعات از راه‌های گوناگونی مفهوم حاکمیت را به چالش کشیده است. از سوی دیگر فناوری اطلاعات هم می‌تواند در خدمت مردم سالاری باشد و هم توانایی نظام‌های اقتدارگرا برای زیرنظر گرفتن رفتار شهروندان خود را گسترش دهد. به هر حال فناوری اطلاعات، نحوه اعمال حاکمیت را تغییر داده و در این جریان، جهانی سازی نیز نقش داشته است. این تغییر امتیازهای سنتی دولت را به چالش می‌طلبد. برخی از دولت‌ها به سرعت خود را با وضع جدید انطباق می‌دهند و دولت‌های دیگر، با وحشت کردن از دگرگونی‌ها، به خشونت متوسل می‌شوند.

از آنجا که فناوری از نظر فرهنگی خنثی نیست استفاده از آن، زمینه فرهنگی مربوط را به همراه می‌آورد. استفاده از فناوری گاه تسلیم شدن در برابر فرهنگ مربوط به آن را به همراه دارد و گاه ستیز فرهنگی به وجود می‌آورد. بنابراین جهانی شدن و فناوری اطلاعات در عین حال که به سرعت مرزها را در می‌نوردد و مردم را به هم پیوند می‌دهد و فوریتی را برای «محلی سازی» به وجود می‌آورد.

هدف نوشتار حاضر فراهم آوردن امکان درک بهتر این مفاهیم و فرایندها و اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حاکمیت است. برای رسیدن به این مقصود ابتدا مفهوم حاکمیت و مسائل مرتبط با آن بررسی می‌شوند، سپس فناوری اطلاعات و آثار اجتماعی آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد. به دنبال آن به رابطه میان فناوری اطلاعات و حاکمیت دولت توجه می‌شود. از آنجا که جهانی سازی نقش برجسته‌ای در این زمینه دارد در بخش بعد به تأثیر این پدیدار بر رابطه

اشاره شده نگاه می‌شود که با بررسی رابطه جهانی سازی و قدرت دولت دنبال می‌گردد.

درباره حاکمیت

بسیاری از مؤلفان حاکمیت را توصیف و تعریف کرده‌اند. بنابراین مفاهیم متعددی همچون، حاکمیت دولت، حاکمیت عمومی^(۱) حاکمیت ملی، حاکمیت قضایی، حاکمیت سیاسی، حاکمیت حقوقی، حاکمیت اقتصادی و حاکمیت طبقاتی شکل گرفته است. هرکدام معنای متفاوتی دارد و معرف یکی از وجوه این موضوع کثیرالوجه است. (Khaburdzania, 1999, p.64.)

به هر حال از میان تعریف‌های ارائه شده از جمله می‌توان به این مورد اشاره کرد که «حاکمیت عبارت است از اعتبار، اقتدار و مؤثر بودن حکومت در تضمین استقلال و اقتدار دولت». (Wilson, III, 1998, p.28.) در جایی دیگر گفته شده حاکمیت اصلی است که به دولت‌ها اقتدار می‌دهد تا قواعد فعالیت‌هایی را وضع کنند که در درون مرزهایشان صورت می‌گیرد. حاکمیت اصلی نظم دهنده است که اختیار تنظیم کردن مناسبات را به دست می‌دهد. مفهوم حاکمیت بنیان نظم روابط بین‌الملل را فراهم می‌آورد. (Hudson, [2000] pp.2,3.) با توجه به آنچه گفته شد عنصر اصلی حاکمیت اقتدار و مؤثر بودن است.

معمولاً حاکمیت یا به مفهوم چیزی مطلق نگریسته می‌شود که احتمال دارد در اختیار باشد یا از دست برود یا چیز متغیری در نظر گرفته می‌شود که احتمال دارد افزون یا کاسته گردد. به عبارت دیگر می‌توان حاکمیت را به مثابه یک قطعه یا یک سبد در نظر گرفت. بر اساس نظریه قطعه‌ای بودن، حاکمیت دولت را می‌توان یکپارچه دید. بر این اساس دولت در یک زمان از همه مزایای حاکمیت برخوردار می‌شود. حاکمیت تفکیک‌ناپذیر است به این معنا که یا به طور کامل وجود دارد یا اصلاً وجود ندارد. بنابراین برای مثال نمی‌توان گفت که یک دولت ۵۵ درصد از حاکمیت برخوردار است. دولت‌های برخوردار از حاکمیت صرف‌نظر از اندازه جمعیت، ثروت، قدرت نظامی و میزان بزرگ یا کوچک بودن از مزایای حقوقی همسان برخوردارند و همچون بر

دیگر دولت‌ها حقوق و وظایف همانندی دارند. (Potter, 2004, pp. 9-10) بر اساس همین مفهوم است که گفته شده در عصر جدید اقتدار حقوقی - عمومی عالی کاملاً به دولت تعلق دارد. دیگر مجامع تنها در صورتی می‌توانند به این اقتدار تحقق بخشند که از جانب دولت نمایندگی داشته باشند. یک دولت در صورتی می‌تواند مرجع عالی باشد که اقتدار حقوقی - عمومی تنها به آن تعلق داشته باشد. (Khaburdzania, 1999, p.66)

به موجب نظریه سبیدی، حاکمیت به درجات مختلف وجود دارد. برخی از دولت‌ها سبیدی از یک تعداد خواص را در اختیار دارند و دولت‌های دیگر سبید دیگری از خواص را. در حالی که تعداد قلیلی از دولت‌ها از حاکمیت مطلق برخوردارند دیگر دولت‌ها حاکمیتی متغیر، رشد کننده یا ناقص دارند. (Potter, 2004, p.10)

نظریه سومی نیز درباره حاکمیت مطرح شده است که به همخوانی آن با اقتدار به طور عام مربوط می‌شود. معنای اخیر همانند اقتدار دولت است. در این مورد دقیق‌تر آن است که به جای اقتدار عالی از کارکردها و اقتدار ارکان دولت صحبت شود. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، حاکمیت یک حق است که به موجب آن نهادهای حکومت کننده کارکردهای خود را به اجرا درمی‌آورند. در عین حال حاکمیت یک مسئولیت نیز تلقی می‌شود که با هر سه نظریه مربوط به حاکمیت انطباق دارد. (نگاه کنید به: Khaburdzania, 1999, p.5 Klein, [2004], p.68;) (Potter, 2004, p.10)

در هر صورت برای ارائه یک تعریف درست از حاکمیت لازم است اختیارات عناصر و ارکان اقتدار دولت به درستی مدنظر قرار گیرد. اگر یک دولت بدون در نظر گرفته شدن اجزاء مختلف ترکیب کننده آن، رکن عالی تلقی شود اقتدار آن عملاً چیزی بر درک ما از حاکمیت نمی‌افزاید. حتی از همان زمان ژان بدن نیز حاکمیت دو مفهوم پیدا کرده بود: حاکمیت دولت و حاکمیت رکنی از دولت. مفهوم اقتدار برخوردار از حاکمیت متضمن اقتدار عالی دولت و رکن یک دولت است. همان طور که اشاره شد در کنار این دو مفهوم و مرتبط با آنها مفهوم سوم اقتدار عام دولت قرار دارد که به جنبه مشخصی از اقتدار دولت مربوط نمی‌شود. بدن و طرفداران مطلق باوری^(۱)

در سده هفدهم معتقد بودند که انحصاری بودن اقتدار دولت جنبه قطعی آن است به عبارت دیگر هیچ اقتدار نهایی و مطلق بالاتر و ورای دولت برخوردار از حاکمیت وجود ندارد. (Held, 2003, p.162) هر چند احتمال دارد حاکمیت در یک یا چند شخص قرار باشد. این به معنای تفکیک‌ناپذیر بودن اقتدار دولت از بخش خاصی از دولت یا دیگر ارکان حقوقی - عمومی بود. باور هابس به اقتدار سلطنت و اعتقاد روسو به مطلق باوری مردم نیز بیان حقوقی همین مفهوم بود. (Sarooha, "Austrian Concept Of Sovereignty & Its Existence In Indian Political Order"; Held 2003, p. 162; Khaburdzania, 1999, p.67)

طبق نظام سنتی حاکمیت، حقوق بین‌الملل نسبت به شکل سازمان سیاسی یک دولت بی تفاوت بود. این نظام یک وضعیت عملی دولت بودن و حکومت را پذیرفته بود که واقعیت‌های قدرت سیاسی را می‌پذیرفت و کاوش اندکی در چگونگی استقرار آن به عمل می‌آورد. نظام‌های مطلق باور، پادشاهی‌های مشروطه، دولت‌های اقتدارگرا و دولت‌های مردم سالار آزادمنش همگی به طور برابر انواع مشروع نظام حکومتی تلقی می‌شدند. این نظام با امواج متوالی مردم سالارسازی به تدریج تغییر کرد. نتیجه آن رد این رهنامه بود که دارنده مهار مؤثر از قدرت مشروع برخوردار است و به جای آن ارزش‌های اساسی بشردوستانه، به عنوان معیار حکومت مشروع قرار گرفت. (Held, 2003, pp.166-167)

بر این اساس دولت نهادی است مرکب از انسان‌ها که خودشان به وجود آورده‌اند و غایت آن انسان است. در این نهاد حاکمیت به طور برابر در نزد شهروندان قرار دارد. اینان بخشی از حاکمیت خود را به حکومت ملی، دیگر بخش‌های دولت، کشور و حکومت‌های محلی محول می‌کنند و بقیه حق حاکمیت، از جمله محول کردن مجدد بخش‌هایی از آن، جز حق محول کردن و محول کردن مجدد حاکمیت را برای خود نگه می‌دارند. هدف از واگذاری بخشی از حاکمیت به هر حکومتی همواره و فقط حفظ حاکمیت فردی شهروندان و پیشبرد برابر آن است. کاری که همواره بر اساس حکومت قانون انجام می‌شود. قانونی که شهروندان برخوردار از حاکمیت، این آزادانه به آن شکل داده باشند. ("Cancer Cell No. 1 in the Free Body Politic") نکته نشان‌دهنده پیوند میان حاکمیت و مردم‌سالاری است.

اصولاً مردم‌سالاری به‌طور بالقوه حاکمیت را تقویت می‌کند. (Kingsbury, 1998, p.613)

مردم‌سالاری نهادهای دولت را مشروع می‌گرداند و این نهادها بیان سازمان یافته اصلی اراده یا منافع مردمی هستند. با این وجود گاه استدلال شده است که تحقق مردم‌سالاری واقعی در تشکیلات حکومتی پیچیده آثاری دارد که خود حاکمیت یکپارچه شده دولت ناپدید می‌شود. در چنین وضعی در واقع اقتدار و قدرت همچنان قابل شناسایی است اما تمرکز اینها در هر محل خاص چنان به‌طور کامل مقابله، موازنه و پراکنده شده است که «حاکمیت» سنتی وجود ندارد. سامانه‌های مبتنی بر حاکمیت تقسیم شده یا پراکنده یک رویکرد ممکن را برای ارائه مسائل اصلی نظریه سیاسی آزادمش^(۱) فراهم می‌آورد و آن حرکت به سوی قدرت مجامع محلی، حقوق ارضی و حکومتی برای مردمان بومی، خودمختاری برای گروه‌های گوناگون قومی یا سرزمینی، چند پارگی اقتدار به منظور ارتقاء هویت و تفاوت و شناسایی حقوقی سازمان‌های جامعه مدنی است که همگی ترتیبات حکومتی کثرت‌گراتر را ارتقاء می‌بخشند. به فرسایش (Kingsbury, 1998, p.613.) عبارت دیگر توزیع مجددی از حاکمیت وجود دارد نه یا از میان رفتن آن.

به هر حال فناوری اطلاعات این توان بالقوه را دارد که کاملاً در خدمت مردم‌سالاری باشد. این فناوری در نظام‌های مردم‌سالار تثبیت شده می‌تواند به صورت نیروی تقویت‌کننده در فرایند مردم‌سالارانه عمل کند. احزاب سیاسی می‌توانند از اینترنت برای مبارزه، تأمین مالی و نظرخواهی استفاده کنند. حکومت‌ها می‌توانند خود را در برابر رأی‌دهندگان شفاف‌تر و پاسخگوتر نشان دهند. از سوی دیگر در برخی موارد صرفاً الگوهای موجود نابرابری و روابط قدرت سلسله‌مراتبی را تقویت می‌کند. این فناوری توانایی نظام‌های اقتدارگرا برای تبلیغ به نفع خود و زیر نظر گرفتن رفتار شهروندان خود را گسترش می‌دهد. (International IDEA, 2001, p.2)

از یک زاویه، حاکمیت دو بعد دارد: رسمی - حقوقی و سیاسی. بعد نخست به آزادی از مداخله خارجی مربوط می‌شود. به این ترتیب که قانوناً هیچ اقتداری بالاتر از دولت نیست، مگر

اقتداری که یک دولت در هنگام پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی به طور داوطلبانه به این سازمان‌ها اعطاء می‌کند. این صرفاً یک اصل مهم در حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود، بلکه مسئله‌ای حساس برای جوامعی است که هنوز استعمار را به یاد می‌آورند یا قربانی مداخله خارجی بوده‌اند.

بعد دوم، یعنی حاکمیت سیاسی، دولت‌ها را قادر می‌سازد از استقلال خود بهره‌گیرند. این نکته شایان توجه است که مفهوم حاکمیت هر معنایی داشته باشد، استقلال معیار اصلی و الزامی آن است. اگر یک مرجع اقتدار نتواند به لحاظ عملی یا نظری این معیار را تأمین کند نمی‌تواند به معنای حقیقی کلمه برخوردار از حاکمیت تلقی شود. این بعد شامل در اختیار داشتن توانایی‌های اقتصادی، نظامی، فنی و جز آن برای اعلام، اجرا و اعمال سیاست‌های عمومی - هم در داخل و هم در خارج - می‌شود. (Khaburdzania, 1999, p.66; Griffith, 1995, p.7) این بیان زاویه دیگری از توجه به حاکمیت را نشان می‌دهد که با آن می‌توان حاکمیت را از دو بعد داخلی و خارجی مورد توجه قرار داد.

از زاویه اخیر نیز تعاریف گوناگونی در هر دو بعد ارائه شده است. بعد داخلی به رابطه دولت با جامعه مدنی مربوط می‌شود. چنانچه یک حکومت از انحصار قدرت مشروع بر طیفی از فعالیت‌ها در یک سرزمین معین برخوردار باشد حاکمیت داخلی دارد. این قدرت در آن ساختارها و اصول حقوقی، اداری و سیاسی داخلی تجسم پیدا کرده است که سیاست‌های عمومی را هدایت می‌کنند. بنابراین حاکمیت را می‌توان به مثابه بالاترین قدرت و قدرت اصلی در یک سرزمین تحت صلاحیت توصیف کرد. این قدرت از هیچ قانون خارجی، به جز حقوق بین‌الملل، یا صلاحیت اجرایی، قانونگذاری و قضایی هیچ دولت خارجی تبعیت نمی‌کند و بنا به تعریفی دیگر از نظر داخلی حاکمیت به معنای آن است که دولت اقتدار عالی را در برابر طیف گسترده‌ای از مقامات حقوقی - عمومی غیردولتی در دست دارد. (Reinicke and Witte, 1999, p. 12; Khaburdzania, 1999, p.66)

همان‌طور که بالاتر اشاره شد حاکمیت یک حق است. در حاکمیت داخلی این حق عبارت است از حق حکومت کردن. یک دولت به این دلیل کارکردهای عمومی را محققانه انجام می‌دهد

که شهروندان حق او برای چنین کاری را می‌پذیرند. به بیان دیگر حاکمیت داخلی به واسطه رضایت مردم به حکومت شدن از مشروعیت برخوردار است. از آنجا که در برابر هر حق یک تکلیف وجود دارد بنابراین حاکمیت متضمن مسئولیت نیز هست. حاکمیت به مثابه یک مسئولیت مستلزم آن است که دولت استانده مناسب سودمندی‌های سیاسی و خدمات برای تضمین حمایت از شهروندان و بهزیستی آنان را فراهم آورد. (Potter, 2004, p.5; Klein, 2004, p.2)

بنابراین مفهوم مسئولیت دولت به حاکمیت داخلی مربوط می‌شود. حاکمیت داخلی نیز مطلق نیست بلکه دارای درجاتی است. جوامع حکومتی داخلی کاملاً نظم یافته از درجات بالای مسئولیت دولت و حاکمیت مطلق برخوردارند. دولت‌هایی که چنین نیستند حاکمیتی ناقص دارند. اینها دولت‌های ناتوانی هستند. ناتوانی دولت مفهومی نسبی است که می‌تواند بر اساس کاهش حاکمیت داخلی مبتنی بر توانایی دولت در فراهم آوردن چیزهای خوب سیاسی برای شهروندان خود اندازه‌گیری شود. در این مفهوم، ناتوانی دولت یک پدیده داخلی است که رسماً تابع مهار خارجی نیست. البته این بدان معنا نیست که خارجیان نمی‌توانند بر حوادث اثر بگذارند. چنانچه دولت‌های ضعیف نتوانند مسئولیت‌های خود نسبت به شهروندان را اجرا کنند احتمال دارد حاکمیت داخلی آنها کاهش یابد یا خاموش گردد. البته امکان آن وجود دارد که حاکمیت خارجی آنها دست نخورده باقی مانده باشد، هرچند احتمال دارد اعمال دیگر بازیگران این حاکمیت را نیز به‌طور عملی سست بنیاد گرداند. (Potter, 2004, pp. 11,12,13.)

بعد خارجی حاکمیت اشاره به روابط میان دولت‌ها در سامانه بین‌المللی دارد. سامانه‌ای که ویژگی آن نبود یک اقتدار مرکزی است. در عرصه بین‌المللی حاکمیت، مستقل بودن از دیگر دولت‌ها را فراهم می‌آورد. تنها مرجع اقتداری که استقلال در روابط بین‌المللی را حفظ کند می‌تواند چنان تلقی شود که از حاکمیت برخوردار است. (Reinicke and Witte, 1999, p. 12;

Khaburdzania, 1999, pp. 65-66)

در بعد خارجی حق برخوردار بودن از حاکمیت، حق به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک هم‌تا در جامعه بین‌المللی است. این نوع حاکمیت به دولت اجازه می‌دهد در مجامع و

سازمان‌های بین‌المللی شرکت نماید، سفیر مبادله کند، معاهده امضا کند و کلاً یک عضو جامعه جهانی دولت‌ها باشد. مشروعیت این نوع حاکمیت به واسطه پذیرش دیگر دولت‌هاست. فرایند هم‌تأریزی شدن و هم‌تأ پذیرفته شدن زمینه‌ساز این حق است. (Klein, 2004, p.5)

به هر حال، مدت‌های مدید است حاکمیت جزء بسیار مهمی برای برخورداری از کیفیت دولت بودن^(۱) محسوب می‌شود. در طول تاریخ در اختیار داشتن و حفظ حاکمیت مبنایی برای همکاری قابل ملاحظه بین‌المللی، علاوه بر برخوردهای بی‌شمار نظامی، دیپلماتیک و تجاری قرار گرفته است. بنابراین، توجه قابل درکی در مورد آثار حاکمیتی موضوعات جدید یا در حال تحول موجود در دستور کار نظامی، سیاسی، اقتصادی، یا فناوری برای متخصصان وجود دارد. این اعتقاد وجود دارد که در دهه‌های گذشته استفاده از قدرت نظامی و سیاسی، جهانی‌سازی امور مالی و صنعتی، و توسعه مسائل وابستگی متقابل - مسائلی همچون مواد مخدر، مهاجرت و ایدز که کاملاً از مرزهای ملی فراتر می‌روند و نمی‌توان آنها را در محدوده ملی مورد توجه قرار داد و یا حل کرد - به طور فزاینده‌ای به سست بنیاد شدن تدریجی حاکمیت انجامیده است. در این راستا، برای مثال، جارات چاپرا^(۲) و توماس وایس^(۳) در چاپ دسامبر ۱۹۹۲ مجله اخلاق و سیاست نوشتند «اعم از اینکه دیگر ساختار قدرت دولت‌های حاکم به درستی خصوصیات کتابی آن را منعکس سازد یا نسازد، حاکمیت دیگر برتری ندارد؛ جهان آن را از کار انداخته است.» (Griffith, 1995, p.7)

برای معتقدان به این نظر، نکته مطرح آن است که در گذشته دولت‌ها حاکمیت یکدیگر را مورد چالش قرار می‌دادند، اما امروزه خود ماهیت حاکمیت دولت مورد تردید قرار گرفته است. فرایند پویای جهانی‌سازی از راه همگرایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، توانایی دولت ملی در اداره امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در یک سرزمین مشخص را زیر سؤال برده است. به هر حال هرچند دولت‌ها در طول تاریخ قصد داشته‌اند با افزایش سطح حاکمیت خود مهار بر سرزمین، مردم و مبادله‌های اقتصادی خود را ارتقاء بخشند، این قصد هرگز به کسب حاکمیت

1- Statehood.

2- Jarat Chopra

3- Thomas Weiss

کامل نینجامیده است. در این راستا، به نظر می‌رسد که فناوری اطلاعات از راه‌های گوناگون مفهوم حاکمیت را به چالش کشیده باشد. (Kurbalija, 1997)

فناوری اطلاعات و آثار آن برای مناسبات اجتماعی

«فناوری اطلاعات» خلاصه شده عبارت «فناوری و خدمات اطلاعات و ارتباطات» است. اغلب جنبه «فناوری» آن به زبان نادیده گرفته شدن «خدمات» مورد تأکید بیش از حد قرار می‌گیرد. فناوری اطلاعات طیف کاملی از تولید، توزیع و مصرف اطلاعات از طریق همه رسانه‌ها، از رادیو و تلویزیون تا ماهواره و اینترنت، را در بر می‌گیرد. (Wilson, 111, 1998, p.6.) از یک طرف گفته می‌شود، در حالی که حکومت‌ها کوشیده و توانسته‌اند فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را برای مقاصد خود مهار کنند، در نهایت ثابت شده است که آثار آزادی بخش این فناوری‌ها قوی ترند و در جایی که قید و بندی نداشته باشند به جامعه‌ای رقابتی تر و انطباق پذیرتر منجر می‌شوند. (Builder and Steven, 1990) نقل شده در (Clark 2003, p.5) از سوی دیگر فناوری اطلاعات متهم شده که غیر انسانی کننده، تمرکز خواه و اقتدارگراست، ابزاری مورد استفاده سیاستمداران و مجریان حکومتی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی، اما در عین حال در زمانی که اطلاعات به آسانی و نسبتاً ارزان جریان می‌یابند دیگر کلاً امکان‌ناپذیر است که جوامع و ساختارهای حکومتی که اطلاعات را به دقت در مراقبت خود داشته باشند. (Clark, 2003, pp. 5-6) از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی دقیق درباره آثار اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات ناممکن است.

یکی از دلایل نادرست از آب در آمدن بسیاری از پیش‌بینی‌ها درباره آثار اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات آن است که پیش‌بینی‌ها بر الگوهای مفهومی بسیار ساده‌شده‌ای درباره انواع خاصی از فناوری اطلاعات و ارتباطات یا درباره ماهیت رابطه میان فناوری و دگرگونی اجتماعی مبتنی هستند. به علاوه اغلب مفروضاتی به‌طور ضمنی درباره این روابط و الگوها وجود دارد که آنها را قوی‌تر می‌گرداند زیرا مسلم فرض می‌شوند. برای مثال بسیاری از تحلیل‌ها درباره رایانه‌ای‌سازی می‌پذیرند که:

• فناوری اطلاعات و ارتباطات آثار مستقیم بر سازمان‌ها و حیات اجتماعی دارند؛
• این آثار در درجه نخست بستگی به ویژگی‌های اطلاعات‌پردازی فناوری اطلاعات و ارتباطات دارند؛

• ویژگی‌های پردازش اطلاعات در فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات به قدری نسبت به فناوری‌های از قبل موجود قدرتمندترند که به طور مؤثر تعیین می‌کنند که مردم چگونه و با چه آثاری از آنها استفاده خواهند کرد.

پژوهش تجربی در زمینه اطلاع‌رسانی اجتماعی این مفروضات ضمنی درباره نقش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده‌هایی را که از این فناوری می‌شود تأیید نمی‌کند، بلکه برعکس نشان می‌دهد که بسیاری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات یا رها می‌شوند یا برای مورد استفاده قرار گرفتن به راه‌های جدید تغییر شکل می‌یابند. به علاوه بسیاری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مسائلی ایجاد می‌کنند که طراحان و طرفداران آنها واقعاً پیش‌بینی نمی‌کردند. همچنین ادب مربوط به پژوهش اطلاع‌رسانی اجتماعی نشان می‌دهد که آثار استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند متناقض باشد. زیرا این آثار می‌توانند در وضعیت‌های گوناگون به کار بسته شدن فناوری‌های اطلاعات، تفاوت پیدا کنند. رایانه‌ای‌سازی گاه به عدم تمرکز منجر می‌شود و گاه به تمرکز در زمینه مهار امور می‌انجامد.

هرگونه شرح سامانه‌مند درباره راه‌های استفاده مردم از فناوری‌های خاص اطلاعات و ارتباطات یا درباره آثار چنین استفاده‌هایی بر دگرگونی در حیات اجتماعی و سازمانی بر مفهوم‌دهی خاص به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات یا به رابطه میان این فناوری‌ها و دگرگونی اجتماعی متکی است. این طرز عمل در میان مردم شایع است که، با متمرکز شدن بر ویژگی‌های برجسته فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات در زمینه پردازش اطلاعات و تصور کردن آثار مستقیم آنها، درباره آثار این فناوری‌ها بیندیشند.

برای مشخص کردن آثار اجتماعی رایانه‌ای‌سازی بر، از جمله، جهان اجتماعی و دیگر هستی‌مندهای اجتماعی، یک رویکرد نظری عبارت است از مفهوم‌دهی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به مثابه مجموعه‌ای از ابزارها، مصنوعات یا فنونی که توانایی‌های

پردازش اطلاعات را فراهم می‌آورند و می‌توان هزینه‌ها، خصوصیات مادی و مهارتی را تعیین کرد. به علاوه تحلیل‌گران معمولاً به پیش‌بینی آثار مستقیم بالقوه فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات بر سازمان‌ها یا دیگر مجموعه‌های اجتماعی می‌پردازند و بر این اساس درباره استفاده‌ها و نتایج اجتماعی احتمالی آنها می‌اندیشند. اصولاً استفاده از شیوه پیش‌بینی آثار مستقیم جذبه‌ای قوی دارد زیرا به ظاهر متضمن یک رابطه علی است. اما این نوع استدلال که استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را با دگرگونی سازمانی و اجتماعی پیوند می‌دهد به خوبی تعمیم نیافته است. مجموعه مطالعات درباره آثار ممکن مستقیم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات معمولاً مخلوطی از آثار را مشخص می‌سازند. گاه نتایج مورد انتظار رخ می‌دهند و گاه اثر مهمی وجود ندارد. در پاره‌ای از موارد نیز به نظر می‌رسد که استفاده از این فناوری منتهی به آثاری می‌شود که مخالف آثار مورد انتظار است.

اغلب درباره فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی موضوع مورد بحث، یک دستگاه سرخ کن است. این طرز برخورد حتی هنگامی مشاهده می‌شود که چیدمان‌های پیچیده‌ای از دستگاه‌ها و عملکردهای اجتماعی متنوع مدنظر است. کنایه ابزاری در بحث‌های مربوط به رایانه‌ای سازی امر متداولی است و این کنایه به مردم کمک می‌کند تا درباره مهم و مناسب‌ترین استفاده‌های فوری از فناوری‌های خاص اطلاعات و ارتباطات بیندیشند. به هر حال در عمل کنایه ابزاری ساده کردن بیش از حد موضوع است.

همانند الگوی آثار مستقیم، جبر فناورانه، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را به مثابه سامانه‌هایی جهت پردازش‌های اطلاعات تلقی می‌کند که وقتی قبول می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند خصوصیت فنی آنها موجب دگرگونی‌های خاص اجتماعی می‌شود. در عین حال که جبر فناورانه می‌تواند در وضعیت‌هایی کاربرد داشته باشد و سودمند واقع شود که در آنها درجه بالای مهار و امکان قالب‌بندی‌های کوتاه‌مدت وجود دارد، برای وضعیت‌های پویا و پیچیده‌ای که طی دوره زمانی آشکار می‌شوند ارزش محدودی دارند. جبر فناورانه نمی‌تواند شرح مناسبی درباره تعامل میان فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، مردمی که آنها را طراحی می‌کنند، به کار می‌برند و مورد استفاده قرار می‌دهند و زمینه‌های اجتماعی و سازمانی به دست

دهد که این فناوری‌ها و مردم در آنها قرار دارند.

پژوهش درباره اطلاع‌رسانی اجتماعی نشان می‌دهد «متن اجتماعی» که در آن فناوری اطلاعات و ارتباطات توسعه می‌یابد و مورد استفاده قرار می‌گیرد نقش مهمی در نفوذگذاری بر راه‌هایی ایفا می‌کند که مردم اطلاعات و فناوری‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند و بنابراین بر نتایج آنها برای کار یا سازمان‌ها و دیگر روابط اجتماعی اثر می‌گذارند. «متن اجتماعی» اشاره به نوعی ابرانتزاعی ندارد که بر فراز مردم و فناوری اطلاعات و ارتباطات در پرواز است بلکه به ماتریس^(۱) خاصی از روابط اجتماعی اشاره دارد.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گاه «فناوری‌های آزادی» نامیده می‌شوند زیرا توانایی‌های مردم و سازمان‌ها برای دستیابی به داده‌ها و برقرار کردن ارتباط و جز آن را گسترش می‌دهند. در همه شرح‌های فناوری محور که از فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات ارائه می‌شود تأکید بر راه‌های شایعی است که این فناوری‌ها انواع جدید عمل را امکان‌پذیر می‌سازند. راه‌هایی که قبلاً پرهزینه‌تر، مشکل یا ناممکن بوده‌اند. (Kling, Rob, and others 2000, pp. 19-24, 29, 56-57) در عین حال بسیاری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات محدودیت‌هایی را به همراه می‌آورند که کمتر مشهود است. برای مثال فناوری اطلاعات این امکان را برای دولت‌ها فراهم آورده است تا با انگیزه‌های مختلف صافی‌هایی در مسیر پایگاه‌های اینترنتی قرار دهند. نکته مهم آن است که این کار تحت پوشش منطقی مقابله با مطالب غیراخلاقی صورت می‌گیرد اما مسیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از پایگاه‌ها به منظور مقابله با حرکت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و مهار آنها مسدود می‌گردد. (برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: www.opennetinitiative.net)

پژوهش‌گران اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری‌های مورد استفاده مربوط به اطلاعات و ارتباطات صرفاً امکانات جدیدی را برای اقدام سازمانی فراهم نمی‌آورند بلکه به پردازش داده‌ها و روابط اجتماعی ساختار جدیدی می‌دهند. هنگامی که این فناوری‌ها برای نخستین بار وارد محیط اجتماعی می‌شوند رابطه متقابلی میان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ساختار

۱- ماتریس آرایه‌ای از داده‌هاست که به شکل خطی، سطحی یا حجمی نظم یافته‌اند. هر داده نقطه‌ای از این آرایه است که با ویژگی‌های خاص خود در مکان مشخصی از آرایه قرار گرفته.

اجتماعی بر قرار می‌شود. روابط اجتماعی شکل دهنده به متن یا محیط اجتماعی وجوه گوناگون دارد. یکی از این وجوه روابط اجتماعی وجه سیاسی آن است.

اصطلاح «سیاست» می‌تواند موقع مبهمی داشته باشد. هنگامی که تحلیل گران برای اشاره به فرایندهای حکومت کردن در جوامع بزرگ مانند انتخاب مقامات کشوری، بحث درباره سیاست‌ها و جز آن، اصطلاح اشاره شده را مورد استفاده قرار می‌دهند می‌تواند ارزش بالقوه مثبتی داشته باشد. به هر حال برخی از دانشمندان اصطلاح «سیاست سازمانی» را با نوعی بی میلی مدنظر قرار می‌دهند گویی که فرایندهای سیاسی لزوماً نامناسب و دچار سوء عملکردند. پژوهش‌گرانی که سازمان‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهند دریافته‌اند که اینها صرفاً به عنوان سامانه‌هایی برای انجام دادن وظیفه‌های مشخص نیستند. هنگامی که سازمان‌ها به عنوان شبکه‌های سیاسی مدنظر قرار گیرند می‌توان مشاهده کرد که ساختارهای حکومت کردن، راه‌های تخصیص منابع مهم و طرق خاص مشروعیت بخشیدن به اعمال خود را در اختیار دارند. گروه‌هایی در درون و خارج از یک سازمان اغلب می‌کوشند بر حکومت کردن، تخصیص‌ها یا اشکال مشروعیت بخشیدن اثر بگذارند. سازمان‌ها به لحاظ شکل شبکه سیاسی با یکدیگر تفاوت دارند. برخی خود سالارند^(۱) در حالی که دیگران اجازه تعارض میان گروه‌ها و ائتلاف‌های رقیب را می‌دهند. (Kling, Rop, and others 2000, pp. 58, 59, 60) آنچه بالاتر گفته شد رابطه میان فناوری اطلاعات و اعمال حاکمیت دولت را نشان می‌دهد.

فناوری اطلاعات و حاکمیت دولت

گفته شده که با گسترده‌تر شدن هرچه بیشتر ابزارهای پردازش اطلاعات، توانایی حکومت‌ها برای محدود ساختن استفاده از آنها بدون تحمل هراس هزینه اقتصادی بسیار کم‌تر خواهد بود. گرچه گسترش فناوری اطلاعات و همراه با آن رشد توانایی مردم در برقرار کردن ارتباط، با وجود عدم تأیید حکومت‌های آنها، به خودی خود نخواهند توانست مانع جباریت و سوءاستفاده از حقوق بشر شوند، اما به هر حال هر دوی اینها را مشکل‌تر خواهند گرداند. (Reynolds, 1989, pp.

(138- 139, quoted in Reynolds, 2004, p.59) بنابراین به طور کلی به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین آثار فناوری ارتباطات، سست بنیاد گرداندن مهار حکوت بر اطلاعات باشد. به عبارت دیگر نقش اصلی فناوری اطلاعات، دور زدن نگهبانان حکومتی اطلاعات است. (Reynolds, 2004, p.59)

حاکمیت، چه از نظر ابعاد رسمی - حقوقی یا سیاسی و چه در ابعاد داخلی یا خارجی، تحت تأثیر توسعه و عملکرد فناوری اطلاعات قرار گرفته است و این اثر برای دولت‌ها در همه سطوح سلسله مراتب قدرت جهانی وجود دارد. چنین می‌نماید که فناوری اطلاعات سبب می‌شود مرزهای رسمی - حقوقی دیگر به طور محکم قابل دفاع نباشند، زیرا رخنه پذیرند. شاید از همه بدتر این باشد که این مرزها در معرض «حمله» دوست و دشمن قرار دارند - و اغلب نیز مورد حمله واقع می‌شوند. انواع داده‌ها از بین مرزها و از فراز و از طریق آنها عبور می‌کنند به گونه‌ای که گویا اصلاً مرزی وجود ندارد. (Griffith, 1995, p.7)

به عبارت دیگر چنین می‌نماید که فناوری اطلاعات با وحدت مکانی به عنوان سنگ بنای با مفهوم حاکمیت در ستیز است. انگاره فضای مجازی^(۱) با تقسیمات کنونی سرزمین‌های جهان به دولت‌های گوناگون انطباق ندارد. (Kurbalija, 1997) جایی که به فناوری اطلاعات مربوط می‌شود مرزها وجود ندارند. رادارهای فراز افق با گستره‌های جغرافیایی وسیع به عمق فضای جوی قدرت حاکم می‌رسند و ماهواره‌ها با دوربین‌های بسیار دقیق به کاوش در تأسیسات نظامی و تجاری در درون مرزهای ملی می‌پردازند.

در مورد حاکمیت سیاسی، گفته می‌شود فناوری اطلاعات به عدم تمرکز آگاهی انجامیده است که به نوبه خود تمرکز قدرت در درون اکثر دولت‌ها را، اگر ناممکن نسازد، مشکل می‌گرداند. (Griffith, 1995, p.7) بر این اساس در واقع فضای مجازی ادعای دولت در این مورد را به چالش می‌کشد که قادر است رابطه‌ای قطعی و الزام‌آور میان شهروندان و یک سرزمین مشخص به وجود آورد. این تهدید نسبت به رابطه شهروند با سرزمین را دولت دیگری به وجود نیاورده بلکه ناشی از خود فضای مجازی بوده است. به علاوه دولت‌های ملی ظرفیت محدودی

برای مهار مراودات اقتصادی دارند که متضمن استفاده از کالاها و خدمات فناوری اطلاعات هستند.

اعتقاد بر این است که ماهیت غیرمادی کالاها و خدمات فناوری اطلاعات، اعمال مهارهای گمرکی، نظام‌های تعرفه و وضع مالیات را برای دولت‌ها مشکل می‌گرداند. توسعه فناوری اطلاعات به شدت غیرمتمرکز و مبتنی بر نوآوری است. گرچه دولت کارکرد مهمی در فراهم آوردن زیربنای درستی برای توسعه فناوری اطلاعات دارد، از کارکرد محدودی در هدایت خود توسعه برخوردار است. دولت در فراهم آوردن عناصر لازم برای توسعه فناوری اطلاعات نقش دارد اما هرگز به تنهایی قادر نخواهد بود که هر آنچه را که لازم است فراهم آورد.

به علاوه این اعتقاد وجود دارد که با توجه به این واقعیت که منشاء مفهوم حاکمیت تا حد زیادی به نیاز برای حمایت از فضای اقتصادی هر دولت ارتباط دارد، فرسایش حاکمیت اقتصادی به حرکت درآمده بر اثر فناوری اطلاعات می‌تواند مفهوم همه‌جانبه حاکمیت را تهدید کند. این وضع از جمله آثاری برای دیپلماسی، به عنوان سازوکار حفظ روابط رسمی میان دولت و هستی‌مندهای خارجی، دارد. کارکرد دیپلماسی، به عنوان مجرای پیشبرد بعد خارجی حاکمیت و حمایت از این بعد، مستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تغییرات در مفهوم حاکمیت تقاضاهای جدیدی را برای دیپلماسی به وجود می‌آورد که برخی از آنها ناسازوارند.^(۱) یکی از این ناسازواری‌ها که دیپلماسی می‌بایست با آن روبه‌رو شود حمایت از حاکمیت و در عین حال ارتقاء مشارکت دولت در فرایندهای همگرایی جهانی و منطقه‌ای است. در مورد اخیر برای مثال دولت باید در زمینه فناوری اطلاعات از برخی انحصارهای مربوط به ارتباطات مخابراتی با جهان خارج، مبادله اطلاعات و حمایت از نظم عمومی چشم‌پوشد.

در حوزه دیگری نیز فناوری اطلاعات بر دیپلماسی، به مثابه سازوکاری برای حفظ روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در میان دولت‌ها و دیگر هستی‌مندها و بازیگران بین‌المللی، اثر دارد. به این ترتیب که احتمال دارد حاکمیت کاهش یافته منجر به ازدیاد بیشتر هستی‌مندها و بازیگرانی با ظرفیت مشارکت در حیات سیاسی و حقوقی بین‌المللی شود. این مشارکت در

حیات بین‌المللی عمدتاً در عرصه منطقه‌ای، در شکل سازمان‌هایی مانند اتحادیه اروپا و نفتا^(۱) شکل می‌گیرد. این فرایند به نیاز به توسعه نمایندگی داشتن و مورد مذاکره قرار دادن چنین توانایی‌هایی می‌انجامد و احتمال دارد سبب تقویت توسعه انواع جدید روش و رویه دیپلماتیک بشود. فناوری اطلاعات و ارتباطات از وجهی دیگر نیز می‌تواند بر حاکمیت دولت اثر بگذارد. در اختیار بودن فناوری ارزان و سریع ارتباطات سازمان‌دهی به سیاست‌گذاری عمومی و اثر گذاشتن به آن را برای سازمان‌های غیردولتی فراملی آسان‌تر ساخته است. این سازمان‌ها تردیدهایی را در مورد حاکمیت به وجود می‌آورند، زیرا به نظر می‌رسد یکپارچگی تصمیم‌گیری داخلی را مورد تهدید قرار می‌دهند. همچنین فعالانی که در سرزمین خود می‌بازند می‌توانند به حکومت‌های خارجی فشار وارد آورند و اینان نیز به نوبه خود بر تصمیم‌گیرندگان در کشور آن فعالان اثر می‌گذارند. (Kurbalija, 1997; Krasner, 2001)

والتر ریستون نیز در کتاب خود موسوم به آخرین مراحل حاکمیت استدلال می‌کند:

هنگامی که سامانه‌ای از ارزهای ملی که بانک‌های مرکزی آن را اداره می‌کنند به یک رایا بازار^(۲) جهانی تحت هدایت تجار خصوصی ارز تغییر شکل بدهد، قدرت دست به دست می‌شود ... هنگامی که یک سامانه بین‌المللی مخابرات راه دور، که از تلفن‌های همراه تا ماهواره‌های مخابراتی را در بر می‌گیرد، حکومت‌ها را از توان مخفی نگه داشتن اسرار از چشم جهانیان، یا مردم خود محروم کند، قدرت دست به دست می‌شود. زمانی که یک خرده تراشه به اندازه یک پشت ناخن انگشت بتواند یک سلاح نسبتاً ساده و ارزان را به یک موشک استینگر بدل کند که فرد قبیله‌نشین بی‌سواد را قادر می‌سازد یک بالگرد مسلح چند میلیون دلاری و خدمه کاملاً آموزش دیده آن را سرنگون سازد، قدرت دست به دست می‌شود. (Wriston, 1992, quoted in Griffith, 1995, pp. 7-8)

بر اساس این استدلال‌ها، بسط و پیشرفت ناگزیر فناوری اطلاعات بر لطمه دیدن حاکمیت

1- NAFTA-North Amerca Free Trade Area (NAFTA)

2- E-market

دولت که قبلاً به سختی صدمه دیده است می‌افزاید. این نکته را هنگامی می‌توان بیشتر درک کرد که توجه شود تغییر شکل‌ها در زمینه انتقال فناوری در جهت حرکت از سامانه‌های بسته اختصاصی سلسله مراتبی به سمت یک ساختار باز مشتری / خدمتگزار بوده است. به علاوه امروزه هم سخت‌افزار و هم نرم‌افزار را آسان‌تر می‌توان مورد استفاده قرار داد - یعنی به زبان فناوری اطلاعات «کاربر پسند»^(۱) شده است. سامانه‌های کاربر پسند به پژوهشگران، حقوقدانان، روزنامه‌نگاران و شهروندان علاقمند به کسب سریع و مؤثر اطلاعات یاری می‌دهد. یکی از نتایج این دو تحول آن است که می‌توان اطلاعات را تقریباً از هر محل و در هر زمان به محل یا زمان دیگر منتقل کرد. این گفته می‌تواند صحت داشته باشد اعم از اینکه شخص درباره سازوکارهای پژوهش اطلاعاتی و سرگرمی مانند موزائیک یا تسکیپ در اینترنت بیندیشد یا درباره سازوکارهای درون اسپیریت^(۲) یا ریس^(۳)، که به امنیت، پژوهش و تجارت مربوط می‌شوند، فکر کند.

نمی‌توان تعادل میان فناوری و حاکمیت را در چارچوب محاسبات مجموع صفر قرار داد. پیشرفت علم و فناوری، به دلایل فکری و اقتصادی، اگر نه سیاسی، توقف‌پذیر نیست. به علاوه، این پیشرفت به نفع بازیگران جامعه بین‌المللی - دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و شرکت‌های چند ملیتی - و اجزاء تشکیل دهنده آنهاست. مطمئناً می‌توان با استفاده از فناوری اطلاعات، امنیت ملی و بین‌المللی را با یکدیگر سازش داد. اما برای دولتمردان یا دانش‌پژوهان، اندیشیدن بر اساس اولویت حاکمیت به منظور مذاقه در سست بنیاد کردن حرکت رو به پیش فناوری اطلاعات کار عبثی است. بنابراین سه چیز به نظر ضروری می‌رسد: نخست، سامانه‌ای از باورهای مورد قبول حاکمان دولت‌ها و دارندگان و مدیران فناوری اطلاعات، در جایی که اینان اختلاف دارند؛ دوم، روش‌هایی برای همزیستی

1- User-friendly.

2- The European Strategic Program for Research and Development in Information Teknology (ESPIRIT)

3- Research and Development in advanced Communication Technology in Europe (Race).

حمایتی متقابل دو طرف؛ و سوم، دولتمردان بپذیرند که فناوری اطلاعات، ماهیت و خصوصیت حاکمیت، این جزء بسیار مهم و رخنه‌پذیر دولت بودن، را تغییر داده است و خود را با این امر انطباق دهند. (TWAS, Griffith, 1995, p.8, 1998, p.5) آن چه گفته شد ضمناً این طرز تلقی را نشان می‌دهد که یک عامل مهم در پدیدار موسوم به فرسایش حاکمیت دولت با فناوری اطلاعات، جهانی‌سازی است.

جهانی‌سازی، فناوری اطلاعات و حاکمیت

یک نظر آن است که بررسی نتایج جهانی سازی کاسته شدن از اهمیت مفهوم حاکمیت در بعد خارجی را نشان می‌دهد. شبکه‌های صنفی جهانی، با ایجاد تغییر در فضای روابط میان بخش‌های عمومی و خصوصی، چالش‌هایی برای حاکمیت داخلی دولت به وجود می‌آورند. با سست بنیاد شدن حاکمیت داخلی، دولت‌ها دیگر انحصار قدرت مشروع در سرزمین خود را ندارند. بر اساس این نظر در اثر جهانی‌سازی، قدرت دولت رو به فرسایش است. به طور کلی دولت‌ها قدرت خود را در متوقف ساختن جریان اطلاعات از دست می‌دهند. فرایندهای مردم سالارانه عمیقاً تحت تأثیر فناوری قرار دارد. (Ostry, 1999, p.1; Globalization and information technology: Castells and The Information Age Reinick and Witte, 1999, p.13, Quiggin, 2001)

در مورد کشورهای در حال توسعه گفته می‌شود فناوری اطلاعات اجازه می‌دهد آرمان‌های آزادمش^(۱) وارد جوامع بسته پیشین شوند. بنابراین سقوط نظام‌های تمامی‌خواه^(۲) سرعت می‌یابد. فناوری ابزارهای تأمین حریم خصوصی و در نهایت مقاومت را فراهم می‌آورد. به همان نسبت که افراد بتوانند خارج از دسترس حکومت با یکدیگر تماس داشته باشند و اطلاعات جمع‌آوری کنند توان حکومت تمامی‌خواه برای مهار مردم خود در مخاطره قرار می‌گیرد و ضعیف می‌شود. البته نباید فراموش کرد که چنین روندی می‌تواند صرفاً هم زمان شدن حوادث با یکدیگر باشد. یعنی یک دولت دگرگونی‌هایی را در زندگی مردم به وجود آورد که هم دسترسی

به فناوری اطلاعات را به همراه داشته باشد و هم آزادی افراد در جامعه را. البته دو پدیدار اخیر در تعامل با یکدیگر و همچنین با دگرگونی‌های اشاره شده قرار می‌گیرند. (Guthrie, [2001], pp.1,3-5)

در مقابل طبق نظری دیگر جهانی‌سازی حاکمیت ملی را کاهش نمی‌دهد. بلکه انگیزه‌ای قوی به دولت می‌دهد تا سیاست‌های صحیح اقتصادی را دنبال کند. از بعدی دیگر نیز این اعتقاد وجود دارد که دولت در اکثر کشورهای برخوردار از درجه بالای صنعتی بودن هرگز قدرتمندتر از امروز برای شکل دادن به جهان بر اساس منافع خود نبوده است. در هر حال، قدرت‌های بزرگ از «خاتمه پیدا کردن حاکمیت ملی»، البته به جز در مورد خودشان، بهره می‌گیرند. این معنا را می‌توان در این بیان مشاهده کرد که ما وارد عصری می‌شویم که در آن تصمیم‌های سیاسی در تعدادی از عرصه‌ها خصوصیت فوق ملی می‌یابند. دیگر قادر نیستیم به رهنامه قدیمی حاکمیت دولت اجازه دهیم در برخی از ضروریات دخالت کنند. (IMF Staff, 2002; Bendaña, 2003, pp. 15-16; Swett, 1995)

در مورد دولت‌های ضعیف، اشکال جدید «پاسخ‌گو بودن در سطح جهانی» و بین‌المللی شدن بسیاری از مسائل حکومت‌ها، به تهاجمی‌ترین شکل به جای حاکمیت ملی به کار می‌رود اما به همان شکل در مورد قدرتمندترین کشورها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. (Keet, 2000, p. 43; نقل شده در: Bendaña, 2003, pp. 15-16) هرگونه فرسایش حکومت دولت، یک ابزار اساسی دفاع از خود، یا دست‌کم توان بالقوه دست یافتن به درجات بالای خودمختاری و آزادی در عصر جهانی‌سازی را از مردم می‌ریاید. (Bendaña, 2003, p.16)

به هر حال، نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد آن است که فناوری از نظر فرهنگی خنثی نیست بلکه در یک زمینه که در حوزه اطلاعات کشورهای غنی است توسعه می‌یابد. استفاده از فناوری اطلاعات، با طرح‌های خود، آن زمینه فرهنگی را به همراه می‌آورد. استفاده از سامانه‌های از نظر فرهنگی توسعه یافته، تسلیم شدن کاربر در برابر فرهنگ ارائه‌کننده طرح را می‌پذیرد، اما هنگامی که خارج از زمینه خود مورد استفاده قرار می‌گیرند ستیز فرهنگی به وجود می‌آورند. بنابراین جهانی شدن و فناوری اطلاعات در عین حال که به سرعت مرزها را در می‌نوردد و مردم را به هم

پیوند می‌دهد فوری‌تری را هم برای «محلی سازی» به وجود می‌آورد و این نیازی است برای حفظ هویت فرهنگی و اراده و میل افزایش پیدا کرده برای حفظ نفوذ بر فرایندهای تصمیم‌گیری محلی. (Sunarno, (2001), p.63, UNDP, (2000), p.46)

در هر صورت، عموماً نظر چنین است که جهانی سازی پدیدار چند بعدی در برگرفته و فرایندهای متعدد پیچیده و به هم مرتبط است (Shelton, 202, p.275) اشاره به وسعت، شدت و شتاب تعامل‌های اجتماعی دارد. (Held and others 1999) نقل شده در: (Hudson, 2000, p.2) این اصطلاح همچنین فشارهای هم‌زمان بر تصمیم‌گیری‌ها در سطح ملی را نشان می‌دهد. تصمیم‌گیری‌هایی که از یکسو بر اثر فشارهای مردم پست‌دانه و مشارکتی «از پایین به بالا» و به واسطه چالش‌های فرامرزی «از بالا به پایین» صورت گرفته‌اند. پدیدار جهانی سازی بی‌اندازه بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، اخلاقی و سیاسی زندگی اثر گذاشته است. این پدیدار متضمن ژرفا و وسعت بخشیدن به مبادلات سریع فرامرزی به خاطر تحولات فناوری، ارتباطات و رسانه‌هاست. یک چنین مبادلات و تعاملاتی در همه سطوح اداره امور حکومت و در میان بازیگران غیر دولت رخ می‌دهد. (Wilson III 1998, p.7; Bejasa and Manegdeg, 2004, p.4; p.275 Shelton, 2002)

انقلاب اطلاعات در همه جوامع، می‌تواند حاکمیت دولت را فرسایش بدهد. این فرسایش از راه فرایندهای متمایز «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» رخ می‌دهد. هر دوی این فرایندها انقلاب اطلاعات را امکان‌پذیر ساخته و تشویق کرده‌اند. «جهانی سازی» و حملات آن به حاکمیت را نیز می‌توان از طریق نیروهای «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» احساس کرد که به واسطه فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات به حرکت درمی‌آیند و توانایی پیدا می‌کنند. حملات «از بالا به پایین» به حاکمیت دولت که با فناوری اطلاعات تسهیل می‌شوند ناشی از بسیاری جریان‌ها هستند که از مرزها عبور و در عرصه‌های سنتی حقوق و مسئولیت‌های حکومت‌های مرکزی اختلال ایجاد می‌کنند. یک مثال در این زمینه، سرعت برق‌آسای حرکت پزو و دلار به داخل و خارج از مکزیک در بحران مالی ۱۹۹۵ بود. در حالی که بانک مرکزی و دیگر کارگزاری‌های دولتی از جریان پیدا کردن سرمایه به داخل کشور استقبال می‌کردند، همانند

همتایان خود در تایلند و مالزی توانایی آن را نداشتند که امواج ناگهانی پرواز سرمایه را که فقط از راه ظهور شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی یکپارچه شده در سطح جهان امکان‌پذیر شده بودند متوقف سازند. کشورهای اشاره شده ادعا کردند که در این دوره مهار، اقتدار و مؤثر بودن (یعنی حاکمیت) را از دست دادند. (Wilson III, 1998, p.28) برای مطالعه بیشتر درباره پویایی‌های جهانی‌سازی در زمینه کاهش یافتن حاکمیت نگاه کنید به: (Wriston, 1992)

برعکس، جهانی‌سازی «از پایین به بالا» را نیروهای دیگری به حرکت درمی‌آورند، اما در اینجا نیز فناوری اطلاعات می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. بازیگران غیرحکومتی لایه‌های بسیار پایین اجتماع، مانند سازمان‌های غیرحکومتی، کسبه خرده پا و افراد، هرچه بیشتر از فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند. به علت آن که فناوری اطلاعات ارزان‌تر شده است گروه‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی استطاعت بیشتری برای تهیه آن دارند. این وضع اجازه می‌دهد هزینه «پیام» خود را کاهش دهند، با دیگران آسان‌تر ارتباط برقرار کنند، خدمات ارائه دهند و بنابراین قدرت خود را در قبال دولت افزایش دهند. (Wilson III, 1998, p. 28)

به علاوه فناوری جهانی و انقلاب اطلاعات توانایی حکومت‌ها در مهار حق انسان‌ها برای جستن، به دست آوردن و انتقال اطلاعات در درون و از آن سوی مرزها را محدود ساخته است. افکار و اطلاعات می‌توانند آزادانه‌تر انتشار یابند. این امر توانایی مطلع ساختن افراد از حقوق خود و راه‌های احقاق آنها را تقویت می‌کند. همچنین تأیید موارد نقض را برای حکومت‌ها مشکل‌تر می‌گرداند. به هر حال، فناوری اطلاعات و رسانه‌ها همچنین می‌توانند برای نقض حقوق بشر در جاهایی مورد استفاده قرار گیرند که حکومت ضعیف است. برای مثال در رواندا کانال رادیو و تلویزیون موسوم به «رادیو و تلویزیون مستقل هزار تپه»^(۱) طریق مهمی برای برانگیختن نسل‌کشی بود و از اینترنت نیز برای نشر صحبت‌های برانگیزنده نفرت استفاده شد. (Shelton, 2002, p.278)

این‌گونه استدلال، متقاعد می‌سازد که نوسازی و جهانی‌سازی فناوری اطلاعات از

1- Radio-Télévision Libre des Mille Colline (RTL)M); Thousand Hills Independent Radio and Television.

هزینه‌های ارتباطات و اطلاعات برای سازمان‌های غیرحکومتی و جنبش‌های اجتماعی می‌کاهد. بر این اساس کاهش هزینه و افزایش حجم فناوری اطلاعات، باز افزایش توانایی سازمان‌های غیرحکومتی و جنبش‌های اجتماعی در زمینه انتشار پیام‌های خود، جلب حمایت و تأثیر بر گفتمان عمومی سبب تقویت اینان به زیان دولت مرکزی می‌شود. (Wilson III 1998, pp. 28-29) برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Brysk 1993; Annis 1991; Swett 1995; Rosenau 1990; Ganley 1992; Frederick 1993; Taylor and others, 1993)

این عوامل مؤثر می‌توانند تأثیرهای متفاوتی داشته باشند زیرا سازمان‌های غیرحکومتی و جنبش‌های اجتماعی گوناگون هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. برخی سازمان‌های غیرحکومتی در پی خلع سلاح‌اند؛ تعدادی دیگر در جست و جوی بودجه دفاعی بیشتریند؛ بعضی به دنبال مهار تسلیحات‌اند، عده‌ای دیگر خواهان تملک سلاح‌های بیشتریند؛ برخی به اعضای خود فشار می‌آورند که با مهار موالیف مخالفت کنند در حالی که تعداد دیگری با استفاده از همان پایگاه‌های اینترنتی و شبکه جهانی با حرارت از آن جانبداری می‌کنند. (Wilson III 1998, p.29)

استدلال دیگر آن است که جهانی سازی و انفجار ارتباطات، انتظارات مردم در مورد زندگی را که مستحق آنند زیر و رو کرده و آنان را در دستیابی به زندگی مورد نظر ناشکیبا ساخته است. (UNDP, 2000, p.33) همچنین ارتباط سریع تا حد زیادی سرعت سیاست، به ویژه انتظار و درخواست از مقامات حکومتی برای ارائه پاسخ فوری را افزایش و بنابراین زمان برای تأمل و انجام دادن محاسبه دقیق‌تر را کاهش می‌دهد. اگر پاسخ‌هایی درنگ ارائه نگردند بخش‌های اصلی از عامه مردم مأیوس و احتمالاً ناراضی می‌گردند. اگر پاسخ‌گویی‌ها سریع اما بدون تفکر و تأمل کافی باشد خطر اساسی اجرای ضعیف از نظر سیاسی و خط مشی‌ای وجود دارد. بی‌ثبات گرداندن دولت توانایی آن برای نشان دادن واکنش مؤثر را کاهش بیشتری می‌دهد.

(Sterling 1994; Rosenau, 1990) همچنین نگاه کنید به: (Wilson III 1998, p. 20)

یک مورد اکنون سنتی شده تقاطع پیدا کردن نفوذ «از پایین به بالا» با نفوذ «از بالا به پایین» قضیه چپ‌پاز است. طی این طغیان در منطقه روستایی مکزیکی مقامات لشکری و کشوری

مشاهده کردند که، به واسطه مؤثر بودن سازمانی جمعیت محلی و توانایی قابل ملاحظه آنان در استفاده از نمابر، اینترنت و دیگر ابزارهای جدید ارتباط جهت برقرار کردن تماس و جلب حمایت همدردی‌کنندگان بین‌المللی، فضای آنان برای عمل کردن بسیار محدود شده است. در این قضیه، فناوری اطلاعات به بسیج کردن مجامع فراملی دارای منافع مشترک و متحد ساختن آنها کمک کرد. این وضع حاکمیت دولت مکزیکی را از خارج در معرض خطر قرار داد. در نتیجه، این دولت مجبور شد بازتر و سازش پذیرتر باشد زیرا ناراضیان محلی تماس‌های متعدد با همدردی‌کنندگان خارجی خود داشتند. این یاران خارجی به نوبه خود بر حکومت‌ها و مطبوعات خویش نفوذ می‌گذاشتند که حوادث چیاپاز را در کانون توجه بین‌المللی نگه دارند.

ورای حمله‌هایی که از بالا و پایین به حاکمیت دولت صورت می‌گیرد، فشارهای ناشی از بحران‌های بودجه‌ای خود دولت‌ها و فشارهای چندجانبه خواهان برای پیشبرد امر خصوصی و تجاری‌سازی گسترده‌ای که نقش دولت در بسیاری از عرصه‌ها - به ویژه زمینه فعالیت‌های مخابراتی - را کاهش می‌دهد و مجدد تعریف می‌کند، سبب می‌گردد دولت‌ها اصطلاحاً شاخ و برگ‌های اضافی خود را بچینند. در این عرصه، بخش خصوصی اقتدار خود را به زیان دولت افزایش می‌دهد. (Wilson III, 1998, p. 29) همچنین نگاه کنید به: (Kahin and Wilson III, 1997) بنابراین مشاهده می‌کنیم که استفاده شرکت‌های خصوصی، سازمان‌های غیرحکومتی و دیگر بازیگران از این فنون جهت فشار آوردن به دولت‌ها برای قبول سیاست‌های خاص یا کلاً قرار گرفتن به جای این‌ها سبب شد در آغاز سده جدید، فناوری اطلاعات حاکمیت دولت را دچار فرسایش کند. گاه این کار فقط از یک جهت صورت گرفته است، در موارد دیگر این بازیگران غیردولتی ائتلافی ورای مرزها را تشکیل می‌دهند تا در تلاش برای فشار آوردن به دولت جهت ایجاد تغییر آن را از همه جهات احاطه کنند.

به‌طور کلی گفته می‌شود. جهانی‌سازی سبب شده است که فناوری اطلاعات از دو جهت حاکمیت دولت را به فرسایش بکشاند. نخست، جهانی ساختن واژه‌ها و تصورها که ماهواره‌ها و اینترنت پخش می‌کنند، از توانایی دولت برای مهار کردن اطلاعات در درون سرزمین خود می‌کاهد. فناوری اطلاعات برای سرعت بخشیدن به انتشار اطلاعات در سراسر جهان، مورد

استفاده قرار می‌گیرد و این وضع توانایی دولت را از یک سطح فراملی دچار فرسودگی می‌سازد. به عبارت دیگر پیشرفت وازگان جهانی با کاهش احترام به اصل حاکمیت ملی همراه است، هر چند حاکمیت هیچ‌گاه مطلق نبوده. (Bendafia, 2003, p.15; Wilson III, 1998, pp. 32-33)

در کنار آن بازیگران در سطح فراملی^(۱) به فناوری جدید اطلاعات در همه اشکال آن، به صورت رسانه‌ها و توانایی پردازش دست پیدا می‌کنند. این وضع به سازمان‌های غیرحکومتی محلی اجازه می‌دهد در معاملات بین‌المللی، دولت را دور بزنند. این وضع همچنین اجازه می‌دهد که دیگر بازیگران محلی مانند شرکت‌های خصوصی دولت را دور بزنند و وظایفی مانند ارائه خدمات تلفنی را در سطح داخلی به اجرا درآورند که زمانی تنها دولت می‌توانست انجام دهد. نمونه‌های این روندها گاه بسیار برجسته‌اند اما به ندرت ژرف و گسترده‌اند. دگرگونی‌ها صورت می‌گیرند اما به کندی پراکنده می‌شوند.

فناوری اطلاعات روندهای جهانی دیگری را تقویت می‌کند که همچنین امتیازهای سنتی ویژه دولت را به چالش می‌کشند. به واسطه آن که اوضاع فرهنگی، نهادی و اقتصادی محلی بسیار متفاوت است، پیش‌بینی هر مجموعه‌ای از نتایج برای اختلاف و همکاری ناممکن است. برخی از دولت‌ها به سرعت خود را با وضع جدید انطباق می‌دهند، در پیچ و خم جهانی فناوری اطلاعات پیش می‌زنند و به چالش‌های جدید به مثابه فرصت‌هایی برای گوش دادن بهتر به شهروندان خود، ارائه خدمات به آنان و حمایت از ایشان خلاقانه پاسخ می‌گویند. بنابراین احتمال دارد حاکمیت آنها تقویت پیدا کند. دولت‌های دیگر، با وحشت کردن از دگرگونی‌هایی که تا حدی به واسطه فناوری اطلاعات سرعت پیدا کرده است، با کله‌شقی به خشونت متوسل می‌شوند. (Wilson III, 1998, p.33)

بسیاری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات واقعاً می‌توانند نفوذ و قدرت را با تجدید ساختار دستیابی به اطلاعاتی تغییر دهند که منابع اطلاعات می‌توانند در اختیار بگذارند. فرایندهای سیاسی ایستا نیستند. مردم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را به طریقی مورد استفاده قرار می‌دهند که سبب تجدید ساختار برخی از جنبه‌های روابط اجتماعی‌شان شود.

هنگامی که این نوع استفاده‌ها سامانه‌مند باشد حیات اجتماعی به شیوه‌ای تغییر می‌یابد که احتمال دارد برخی از انواع روابط و فعالیت‌های اجتماعی به زیان دیگر روابط و فعالیت‌ها بهبود یابد. به هر حال سرعت دگرگونی کند است و معمولاً با عدم تداوم‌ها و تداوم‌های مهم در حیات اجتماعی همراه است. بر همین اساس گفته می‌شود فناوری اطلاعات اصول پایه‌ای قانون و اخلاق را دگرگون نمی‌سازد. (Kling, Rop, and others 2000, pp. 61,63,65; Magnusson and others, [N.D])

جمع‌بندی

به‌طور کلی با توجه به آن چه گفته شد نباید فراموش کرد که «فناوری اطلاعات» خلاصه شده عبارت «فناوی و خدمات اطلاعات و ارتباطات» است و اغلب جنبه «فناوری» آن به زیان نادیده گرفته شدن «خدمات» مورد تأکید بیش از حد قرار می‌گیرد. این خدمات محدود به قشر خاصی از کاربران نمی‌شود. از یک سو فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان «فناوری‌های آزادی» توانایی‌های مردم و سازمان‌ها برای دستیابی به داده‌ها و برقرار کردن ارتباط و جز آن را گسترش می‌دهند و از این راه به ایشان خدمت ارائه می‌کنند. از سوی دیگر این امکان را برای دولت‌ها فراهم آورده‌اند تا با انگیزه‌های مختلف صافی‌هایی در مسیر پایگاه‌های اینترنتی قرار دهند و تحت پوشش منطقی مقابله با مطالب غیراخلاقی مسیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از پایگاه‌ها را به منظور مقابله با حرکت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و مهار آنها مسدود کنند.

همان‌طور که اشاره شد محیط یا «متن اجتماعی» در واقع ماتریس خاصی از روابط اجتماعی، از جمله روابط سیاسی، است. بسته به اینکه نقاط مختلف این ماتریس، یعنی روابط اشاره شده، چه خصوصیتی داشته باشد محیط یا «متن اجتماعی» خصوصیت و کیفیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. جامعه‌ای که روابط موجود در آن خصوصیات مردم‌سالاری و حقوق بشری داشته باشد محیط یا «متن اجتماعی» متفاوتی در قیاس با جامعه‌ای دارد که خصوصیات استبدادی و فاشیستی بر روابط آن حاکم است. از آنجا که محیط یا «متن اجتماعی» نقش مهمی در نفوذگذاری بر راه‌هایی ایفا می‌کند که مردم اطلاعات و فناوری‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند، بنابراین

راه‌های استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جوامع دارای خصوصیت مردم‌سالارانه متفاوت از راه‌هایی خواهد بود که در جوامع استبدادی و فاشیستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حالت اخیر، یعنی سلطه استبداد و فاشیسم حکومت از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای مهار روابط اجتماعی و مردم استفاده می‌کند. بنابراین اعمال اقتدار بر ترس و تسلیم در برابر زور مبتنی می‌شود که در یک مقطع زمانی از قدرت نیز برخوردار است اما در بلندمدت نمی‌تواند پایدار بماند. در حالی که در حالت اول اصول مردم‌سالاری و حقوق بشر بر این استفاده حاکم می‌شود بنابراین مشروعیت حکومت بر رضایت مردم و مقبول بودن آن در نزد ایشان استوار خواهد شد. در نتیجه دولت از اقتداری قوی به شکل متناسب با شرایط جدید برخوردار می‌گردد. با توجه به اینکه حاکمیت بر اقتدار مبتنی است.

منابع و مأخذ:

- 1 - Bejasa, Zenaida T. and Ferdinand G. Manegdeg, "Human Resource Strategies in a Globalizing Environment", www.kli.re.kr/iiira2004/pro/papers/poster/bajasa%20revised%20paper.pdf[05.25.2005]
- 2 - Bendana, Alejandro, (2003), "What Kind of Peace is Being Built? Critical Assesments from the South," A Discussion paper, prepared on the occasion of the tenth anniversary of An Agenda for Peace for the International Development Research Centre (IDRC), Ottawa, Candada, January 2003,www.transcend.org/t-database/pdfarticles/102.pdf[05.20. 2005]
- 3 - Builder, Carl H. and Steven C. Bankes (1990) The Etiology of European Change, p. 7693, Santa Monica, California: RAND.
- 4 - "Cancer Cell No. 1 in the Free Body Politic", www.Constitution.org/aun/aun1-06.htm [06.15.2005]
- 5 - Clark, Rebecca (2003), "Female Literacy Rates, Information Technology and Democracy", April 30, www.cpsa-acsp.ca/paper-2003/clark.pdf[06.02.2005]
- 6 - Griffith, Ivelaw L., (1995), "The Implication of Information Technology on Sovereignty", UNIDIER Newsletter, No. 30/ 95, pp.7-8.

- 7 - Glenn Harlan Reynolds, (1989) "Speaking with Forked Tongues: Mercantilism, Telecommunications Regulation, and International Trade," Law and Policy in International Business, No. 21, vol. 119.
- 8 - Glenn Harlan Reynolds, (2004), "The Blogd of War; How Internet is Reshaping Foreign policy", The National Interest, No. 75, (spring), pp. 59-64.
- 9 - "Globalization and Information Technology: Castells and the Information Age," www.acturban.org/MasterEAPC/MTU-ZIP/documentacion/globalization-and-information-te.htm[05.20.2005]
- 10 - Guthrie, Doug, "Information Technology, Sovereignty, and Democratization in China", New York University, [2001], [www.ssrc.org/programs/itic/publications/workingpapes/digitalorder/ Guthrie.doc](http://www.ssrc.org/programs/itic/publications/workingpapes/digitalorder/Guthrie.doc)[05.25.2005]
- 11 - Hedl, David (2003), "The Changing Structure of International Law: Sovereignty Transformed?" TGT2eC14 19.03.2003, pp. 162-176, www.policy.co.uk/global/pdf/GTReader2eHeld.pdf [06.20.2005]
- 12 - Hedl, D., and others (1999), *Global transformations: Politics, economics and culture*, Cambridge: Polity Press, in Hudson, [2000].
- 13 - Hudson, Alan, [2000] "Offshorenness, Globalization and Sovereignty: A Postmodern Geo-political Economy?" Government and Politics Discipline, Faculty of Social Sciences, The Open University, Milton Keynes, MK7 6AA, UK, www.alanhudson.org.uk/offshorenness.pdf[05.20.005]
- 14 - IMF Staff, (2002) "Globalization: Threat or Opportunity?" April 12, 2000 (Corrected January 2002), www.imf.org/external/np/exr/ib/2000/041200.htm [05.27.2005]
- 15 - International IDEA (International Institute for Democracy and Electoral Assistance), (2001) "Democracy and the Information Revolution: Values, Opportunities and Threats," Democracy Forum 2001 Report, archive.idea.int/df/2001-forum/Democracy-Forum-2001-Report.pdf [06.02.2005]
- 16 - Keet, Dot (2000) "Alternatives to the WTO Regime: A Discussion Paper on

- Tactics and Strategies", Alternative Information and Development Centre, Cape Town, November, in Bendana, (2003).
- 17 - Khaburdzania, Valerian (1999) "Several Problems and Issues of Sovereignty", Georgian Law Review, First and Second Quarters, pp. 64-74, www.geplacorg/publicat/law/archives/glr99qlq2e.pdf[06.040.2005]
- 18 - Kingsbury, Benedict, (1998), "Sovereignty and Inequality", *European Journal of International Law*, Vol. 9, No.4, pp. 599-625, www.ejil.org/journal/Vol9/No.4/art.html [06.20.2005]
- 19 - Klein, Hans {2004} "ICANN and Non-Territorial Sovereignty: Government Without the Nation State", IP3 (Internetaet & Public POLicy Project), School of Public Policy, Georgia Institute of Technology, www.IP3.gatech.edu/research/KIEIN-ICANN+Sovereignty.doc[05.20.2005]
- 20 - Kling, Rob. and others (2000) "Learning from Social Informatics: Inforamtion and Communication Technologies in Human Contexts", August 14, www.slis.indiana.edu/CSI/report.html[06.06.2005]
- 21 - Krasner, Stephen D., (2001) "Sovereignty;: *Foreign Policy*", February, www.globalpolicy.org/nations/index.htm[05.28.2005]
- 22 - Kurbalija, Jovan (1997) "Information Technology and Sovereignty", conf.diplocy.edu/ITconference/itunit-concept/sovereignty.htm [05.05.2005]
- 23 - Magnusson, Adalsteinn, and others, [N.D.] "Democracy and Technology, Iceland", Democracy and Government On-Line Services, siyaset.bilkent.edu.tr/gol-democracy/iceland.htm[06.02.2005]
- 24 - Ostry,Sylvia, (1999) "Globalisation and Sovereignty", McGill Institute for the Study of Canada, James R. Mallory Annual Lecture in Canadian Studies, March 19, www.misc-icem.mcgill.ca/publications/Ostry.pdf [05.02.2005]
- 25 - Potter, Donald W., (2004) "State Responsibility, Sovereignty, and Failed States", Refereed paper presented to the Australasian Political Studies Association Conference, Univeersity of Adelaide, 29 September-1 October, www.adelaide.

- edu.au/apsa/docs-paper/Others.potter.pdf [06.04.2005]
- 26 - Quiggin, John, (2001) "Globalization and economic sovereignty", *Journal of Political Philosophy*, vol. 9, No. 1, pp. 56-80, [www.uq.edu.au/economics/johnquiggin/Journal Article01/ Globalization.html](http://www.uq.edu.au/economics/johnquiggin/Journal%20Article01/Globalization.html) [05.25.2005]
- 27 - Reinicke, Wolfgang H., and Witte, Jan Marting, (1999) "Interdependence, globalization, and Sovereignty: The Role of Non-Binding International Legal Accords", www.loccum.de/materialien/globalisierung/Reinicke-Witte.pdf [05.20.2005]
- 28 - Saroha, Monika "Austrian Concept Of Sovereignty & Its Existence In Indian Political Order", *Legal Service India (LSI)*, www.legalservicesindia.com/articles/sover.htm [06.15.2005]
- 29 - Shelton, Dinah (2002) "Protecting Human Rights in a Globalized World", www.bc.edu/bc-org/avp/law/twsch/journals/bciclr/25-2/06-FMS.htm [06.15.2005]
- 30 - Sunarno, Sh., (2001) "Globalization and Information Technology: Forging New Partnerships in Public Administration", *Asian Review of Public Administration*, Vol. XIII, No.2, July- December, unpan1.un.org/intradoc/public/documents/EROPA?UNPAN008237.pdf.
- 31 - Swett, C., (1995) "Strategic Assessment: The Internet", Available via World Wide Web at www.fas.org/cp/swett.html#International [05.20.2005]
- 32 - TWAS (Third World Academy of Science), (1998) "We Can do It Again", *Newsletter*, Vol. 10, No.1, January-March, pp. 4-5, phyvirtual.nju.edu.cn/mirror/www.ictp.it/~twas/NL10-1.pdf [05.20.2005]
- 33 - UNDP, (2000) "Responding to Citizens' Needs: Local Governance and Social Services for All" Report of the United Nations Global Forum on Local Governance and Social Services for All Stockholm, Sweden, 2-5 May, ST/ESA/PAD/SER.E/29, unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/EROPA/UNPAN008237.PDF
- 34 - Wilson III, Ernest J., (1998) *Globalization, Information Technology, and Conflict*

in the Second and Third Worlds: A Critical Review of The Literature, Project on World Security Rockefeller brothers Fund, New York: Rockefeller Brothers Fund, Inc., www.rbf.org/pdf/Wilson-Info-Tech.pdf [05.19.2005]

35 - Wriston, W., (1992) *The Twilight of Sovereignty: How the Information Revolution is Transforming our World*, New York: Scribners, Macmillan.

برای مطالعه جنبی

- 1 - Annis, S., (1991) "Latin Democracy: Giving Voice to the Poor", *Foreign Policy*, 84.
- 2 - Brysk, A., (1993) "From Above and Below: Social Movements, the International System, and Human Rights in Argentina", *Comparative Political Studies*, Vol. 26, No.3, pp. 259-285.
- 3 - Frederick, H., (1993), *Global Communications and International Relations*, Belmont, Cal.: Wadsworth.
- 4 - Ganley, G., (1992) *The Exploding Power of Personal Media*, Norwood, N.J.: Ablex.
- 5 - Kahin, B., and E. J. Wilson III, eds., (1997) *National Information Infrastructure Initiatives: Vision and Policy Design*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
- 6 - Rosenau, J.N., 1990 *Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity*, Princeton, N.J.: Princeton University.
- 7 - Sterling, B., (1994) "High Technology Crime Investigation Association Speech" Available on the Internet, www.gopher@well.sf.ca.us.
- 8 - Taylor, B., et al., (1993) "Grass Roots Resistance: The Emergence of Popular Environmental Movements in Less Affluent Countries", In *Environmental Politics in the International Arena*, ed. S. Kamieniecki. Albany, N.Y.: SUNY Press.
- 9 - www.opennetinitiative.net [06.26.2005]